سرور و ... حضرت زین ... علیه بهآء اللّه ... بلحاظ انور ملاحظه فرمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)١

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

روحی فداک دستخطّ انور اطهر که مورّخهٴ ٢۵ شعبان بود در اسعد اوان وارد الحمد للّه و المنّة گوش جان باصغای نغمات و ترنّمات و تغرّدات حمامات ذکر و ثنای محبوب بیهمتا از اغصان و افنان شجرهٴ بیان و سدرهٴ تبیان آنحضرت فائز شد هنیئاً للسّامعین و مفصّلاً در ساحت اقدس معروض افتاد قوله تبارک و تعالی یا زین‌المقرّبین قد سمعنا ندائک و قرأنا کتابک و عرفنا ما فی قلبک من محبّة اللّه المهیمن القیّوم و نذکر کلّ من جری اسمه من قلمک هذا من فضلی علیک ان اشکر و قل لک الحمد یا اله الوجود و فی کلّ ذلک نکون ناظراً الیک و هذا من فضل ینبغی ان تشکره بدوام السّموات و الأرض لا بل بدوام اسمائی الحسنی لا بل بدوام نفسی المهیمنة علی کلّ شاهد و مشهود و کلّ ذاکر و مذکور کبّر من قبلی احبّائی و ذکّرهم من لسانی و زیّنهم بأثواب عنایتی و نوّرهم بأنوار بیانی المشرق المحبوب انتهی

آنچه در بارهٴ جناب آقا جمال ذکر فرموده بودید هذا ما نزّل فی حقّه انّا ذکرناه فی ملکوت سجنی و قبلنا منه ما عمل فی سبیل اللّه طوبی له بما سمع منع اللّه و اجابه فی ذلک لعمری انّ عمله خیر من اعمال الّذین توجّهوا الی شطر العرش من دون اذن اللّه المهیمن المبیّن الحکیم بشّره بذلک لتأخذه نفحات محبّة ربّه العزیز الکریم انّا نذکره کما ذکرناه فضلاً من عندنا و انا الذّاکر الخبیر انّ الّذین یدعون حکم اللّه ورائهم اولئک اتّبعوا اهوآء انفسهم یشهد بذلک قلم ربّک العزیز المنیع انّ الأمر بیده یقبل عمّن یشآء ما عمل فی سبیله و یقدّر لمن اراد ما ینفعه فی عوالم ربّک المقتدر القدیر انتهی

در ذکر قطعهٴ صغیره مرقوم فرموده بودند از حقّ جلّ و عزّ میطلبم دعای آنحضرت را مستجاب فرماید و خود آنحضرت هم در ساحت اقدس بخدمت مشغول باشند

و اینکه در بارهٴ جناب حاجی کاظم مرقوم داشتند این ارض بسیار جمعیّت شده و سبب اراجیف ناس گشته سی و پنج نفس علاوه بر نفوسیکه با جمال قدم هجرت نموده‌اند در اینجا جمع شده‌اند دیگر ملاحظه فرمائید در ارض سجن مع ضیقها و عدم اسبابها و نفاق اهلها و اضطراب سکّانها چه واقع شده و میشود در این ایّام از ارض خاء اب جناب بدیع علیهما بهآء اللّه و یک ابنشان و شخص دیگر وارد و جناب مح م‌ص علیه بهآء اللّه الأبهی و نفس دیگر و همچنین آقا علی از اهل ق و یک نفر دیگر و نفوس عدیده که خبر رسیده این ایّام وارد میشوند و اخت آقا حسین و ابنها و اخت دیگر و زوجها و همچنین نفوسیکه در اطراف ارض سجن هستند علی الاتّصال وارد میشوند دیگر خود آنحضرت میدانند که مردم خارج از این اجماع چه گفته و میگویند از حقّ میطلبم احبّای خود را مؤیّد فرماید بر اصغای اوامره و نهیه باری ذکر جناب حاجی کاظم لدی العرش معروض کمال عنایت در بارهٴ او ظاهر فرمودند ای کاظم بمحبّة اللّه مسرور باش و از نهیش محزون مباش حقّ احبّای خود را دوست داشته و دارد و آنچه مقتضای وقت و مصلحتست بآن امر میفرماید الحمد للّه در ساحت اقدس مذکوری و بذکرش مفتخر از عدم اذن محزون مباش لعمری بیانی احلی من کلّ حلو و ذکری ارقّ من النّسیم بآن راضی باش و حقّ منیع را شاکر معطی اجر لقا اوست و ساقی کوثر وصال او غم مخور با فرح تمام مابین انام بذکرش مشغول باش ولکن بالحکمة و السّلام انتهی

و دیگر وجهیکه مرقوم داشته بودید که یکی از اماء ارسال داشته بتوسّط جناب نبیل رسید ولکن حسب الأمر از قبل این بوده که اگر وجهی برسد خدمت آنجناب بماند و بساحت اقدس معروض دارند تا حکم آن نازل شود و گز هم که ارسال شده بود رسید و همچنین منظومهٴ جناب آقا صدرا قدری از آن وقتی مخصوص در ساحت اقدس عرض شد قبول فرمودند خدمت او را و انتشار آن معلّق بآنست که تمام او عرض شود و شمس اذن مشرق گردد و این قدر شغل هست که فی‌الحقیقه این بنده و صد مثل این بنده عاجز و قاصر است مگر بتأییدات حضرت محبوب

و اینکه در بارهٴ جناب آقا غلامعلی مرقوم داشته بودند که آنحضرت مسرور شده‌اند که بی‌اذن وارد نشده فرمودند اذن تمام آنست که از ارض مسکونه اذن حاصل نمایند و او بعد از حرکت از آن ارض باین اطراف اذن خواسته و وارد شده لذا بعضی از اذن در بارهٴ ایشان صادق است نه تمام آن و در فکر عیال و طفل خود هم هستند ولکن در حین ورود ناخوش احوال بودند و هوای سجن هم معلوم هنوز صحّت تمام نیافته انشآءاللّه باحکام الهی که در کتاب مبارک اقدس نازل شده باید عمل نمایند

و در بارهٴ حبیبه به ناصر اخبار داده شد که هرچه مقصود اوست بآنجناب اخبار دهد

و دیگر در بارهٴ احمد ولیّ مرقوم داشته بودند عرض شد هذا ما نزّل له قوله جلّ کبریائه ان یا احمد قد حضر ذکرک لدی المظلوم و ذکرناک فیهذا السّجن العظیم قل یا احبّائی لا تحزنوا بما ورد علیکم فی سبیل اللّه المقتدر المهیمن العزیز العلیم فانظروا الی القرون الماضیة و الأعصار الخالیة و ما ورد فیها علی امنآء اللّه و اصفیائه الّذین دعوا النّاس الی اللّه ربّ العالمین لعمری انّ القوم فی حجاب عظیم و خسران مبین شهد اللّه انّه لا اله الّا هو و الّذین صبروا ابتغآء مرضاته اولئک اهل الهدی بین الوری یصلّین علیهم اهل الفردوس و هذا المنظر الکریم یا احبّائی لا تجادلوا مع احد تمسّکوا بالمعروف فی کلّ الأحوال فاقرؤوا ما نزّلناه من قبل من لدن علیم حکیم سوف یرفع اللّه اسمائکم و اذکارکم رغماً للّذین احتجبوا عن هذا الأمر الّذی به انار افق البیان و نطقت حمامة التّبیان الملک للّه العلیم الخبیر

ای زین‌المقرّبین اسامی نفوسیکه در عرایض شما مذکور بوده ذکر آن نفوس از قلم اعلی جاری شده و این نظر بفضلی است که بآنجناب بوده و هست مثلاً اگر اشقی النّاس الیوم بآنجناب متمسّک شود لدی اللّه مغفور و مذکور خواهد شد اگرچه بآنهم شاعر نشود هر نفسی را مصلحت بدانند جواب منزله را باو برسانند والّا فلا دیگر چه رسد بکسانیکه بشطر اللّه توجّه نموده‌اند و آنجناب ذکر ایشان را معروض داشته انتهی

و اینکه در ذکر جناب آقا محمّد صادق علیه بهآء اللّه مرقوم فرموده بودید عرض ایشان معروض افتاد قوله عزّ کبریائه ای صادق مذکور بوده و هستی و قابلی چه که بفوز اعظم فائز شدی و حمل بلایای شدیده در سبیل محبوب نمودی نسئل اللّه بأن یوفّقکم و یؤیّدکم و یسقیکم فی کلّ الأحیان کوثر حبّه العزیز المنیع انتهی

و دیگر عریضهٴ جناب محمّد امین چلبی از اهل صلاحیه معروض افتاد هذا ما نزّل فی جوابه

هو المبیّن العلیم الحکیم

کتابت لدی المظلوم حاضر و آنچه در او مذکور مشاهده گشت جمیع ناس لیلاً و نهاراً بذکر حقّ مشغولند ولکن از حقّ محتجب در هر عصر و عهدی که عرف قمیص رحمن مابین اهل امکان متضوّع شد اکثری از ناس باوهامات لایغنیه از مطلع نور احدیّه محروم ماندند چنانچه الیوم نفسیکه لوجه اللّه کل را بصراط مستقیم الهی دعوت نموده در این سجن اعظم حبس نموده‌اند ولکن حقّ جلّ و عزّ این سجن را قطعه‌ئی از رضوان نموده و در کمال روح و ریحان بذکرش مشغولیم و از جمیع عالم منقطع نحمده و نشکره بذلک انّه لهو الشّاهد العلیم الخبیر و نسئله تعالی بأن یوفّقک و یؤیّدک علی الاستقامة علی امره انّه ولیّ المحسنین انشآءاللّه در جمیع احیان و اوان از کأس محبّتش بنوشند و بذکرش ذاکر باشند اینست افضل اعمال لدی الغنیّ المتعال انتهی

این جواب را آنجناب بخطّ خوشی بنویسند و ارسال دارند

و اینکه سؤال از حلق رأس شده بود که در کتاب اقدس نهی از آن شده و در سورهٴ حجّ امر بآن قوله تعالی جمیع الیوم مأمورند بکتاب اقدس آنچه در او نازل اوست حکم الهی مابین عباد و حلق رأس از قاصدان بیت عفو شده الیوم اعمالیکه سبب ضوضاء خلق نشود باید کل بآن عمل نمایند انتهی از ارض خاء جناب اسم اللّه الجواد علیه بهآء اللّه که در کربلا ساکن بودند سؤال نمودند که الیوم عدم حلق رأس سبب ضوضاء خلق میشود و ابتلای اصحاب و تکلیف خود را سؤال نموده بودند حکم شد که عمل ببعضی اعمال در ایّام ارتفاع امر است و قبل از ارتفاع کل باید بحکمت عمل نمایند چه که هر نفسی معروف شود در بعضی بلاد باین اسم ناس اجتناب مینمایند و امر تبلیغ تعویق میماند

و اینکه سؤال شده بود که در کتاب ایقان که باسم جناب خال علیه بهآء اللّه الأبهی معروفست ذکر خوف در حقّ حضرت موسی (ع) شده و در کتاب بدیع نفی خوف از انبیا عرض شد قوله تعالی یا زین آنچه در کتاب ایقان نازل در مقام امتحانات الهیّه ذکر شده نظراً لرفع توهّمات النّاس فی هذا الظّهور لذا آنچه در فرقان نازل نصّ آیهٴ مبارکه من غیر تأویل و تفسیر ذکر شد و دیگر از تلویح آیه معلومست که آنچه موسی علیه بهآء اللّه فرموده در مقام اسکات خصم بوده چه که بآنحضرت گفته‌اند که تو همانی که قتل نفس کردی و فرار نمودی آنحضرت رغماً لأنفهم مضمون آیهٴ مبارکه را ذکر نمود و تصدیق فرمود من همانم ولکن بخلعت غفران مزیّن شدم و برسالت مفتخر گشتم و ذکر خوف و امثال آن از اموریست که قبل از بعثت واقع شده و از برای خوف بیاناتیست در آنمقام که تفصیل آن سبب تطویل میشود و آنچه در کتاب بدیع نازل انّه لحقّ لا ریب فیه مشاهده در عمل آنحضرت بعد از بعثت نمائید انّه لقویّ امین ان یا زین ان استمع ما تکلّم به منادی الطّور فی هذا الظّهور کنت غافلاً او کنت نائماً مرّت علیّ نسمة الرّحمن و ایقظتنی عن النّوم و اقامنی علی الصّیحة او النّدآء بین الأرض و السّمآء مع آنکه عرف الرّحمن و نسمة السّبحان از او ظاهر شده و بلکه موجد آن بوده تفکّر و کن من الشّاکرین و امثال این بیانات در لوح سلطان و ما نزّل لبعض العلمآء ذکر شده و این نظر بضعف عباد فضلاً من عنده نازل شده و میشود لو یظهر و ینطق بما هو علیه لتری النّاس من المیّتین الّا من شآء ربّک

و دیگر ذکر اسم اللّه الأصدق علیه رضوان اللّه و بهائه فرموده بودند لدی العرش مذکورند و زیارتی هم مخصوص ایشان از قلم اعلی نازل ولکن تا حال اذن بارسال آن نشده انشآءاللّه هر وقت شد ارسال میشود بآن فائز میگردند طوبی له بما فاز و حضر و سمع ندآء اللّه الملک العزیز الجمیل و صعد الی اللّه بالرّوح و الرّیحان و شهد بذلک قلم الرّحمن فی هذا المنظر المنیر

و دیگر محبوب معظّم جناب اسم اللّه مهدی علیه بهآء اللّه الأبهی مدّتیست که مراجعت فرموده‌اند و در جوار ساکنند تکبیر آنحضرت را ابلاغ داشتم و ایشانهم تکبیر ما لا نهایه ابلاغ میدارند کتب و الواح ایشان که باتّفاق جناب مح مص علیه من کلّ بهآء ارسال شده بود بایشان رسید و آنچه نزد جناب استاد علی اکبر است ذکر نمودند اگر بطور خوشی دادند فبها والّا فلا

و دیگر استدعای این عبد فانی از آنحضرت آنکه ذکر خلوص و فنا و تکبیر ابدع امنع ارفع اعلی از جانب خادم بجمیع آقایان و دوستان آن ارض ابلاغ فرمایند انّما البهآء علی حضرتک و علی کلّ من حضر بین یدیکم و فاز بخدمتکم

خ‌ادم

٢٧ ذی‌قعده سنهٴ ١٢٩٢

غصنین اعظمین امنعین و افنان اللّه بجواهر ذکر و تکبیر آنجناب را ذاکر و مکبّرند

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱ بعد از ظهر

1. ١ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)